



تفاهم عرفا و حکمای متأله در گفتگوی دینی / تفاوت پاپ قبلی و فعلی

عرفا و حکمای متأله راه گفتگوی دینی را به درستی طی کرده اند و با هم کنار آمده اند. به طور مثال پاپ قبلی فیلسوف بود و سخنان او در مورد گفتگوی ادیان و دین اسلام بسیار قابل توجه بود اما پاپ فعلی متکلم و بسیار سخت فکر می کند.

دکتر ابراهیمی دینانی گفت: عرفا و حکمای متأله راه گفتگوی دینی را به درستی طی کرده اند و با هم کنار آمده اند. به طور مثال پاپ قبلی فیلسوف بود و سخنان او در مورد گفتگوی ادیان و دین اسلام بسیار قابل توجه بود اما پاپ فعلی متکلم و بسیار سخت فکر می کند.

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی استاد برجسته فلسفه در نشست «گفتگوی ادیان و بحران های انسان معاصر» که صبح دوشنبه اول آبان با حضور پرفسور هامر از اندیشمندان آلمانی در این مؤسسه برگزار شد، به ضرورت گفتگوی بین دینی اشاره کرد و گفت: اشتباه بشریت در طول تاریخ این بوده که همه خود را طرفدار حقیقت می دانند اما فکر می کنند حقیقت یک جعبه بسته بندی شده است که هر کسی آن را در اختیار دارد و تمام بدبختی بشر از این تصور ناشی می شود.

وی تاکید کرد: مادامی که ما حقیقت را جعبه بسته بندی شده تصور کنیم حتی گفتگوی بین ادیان مؤثر نخواهد بود چون ما مالک حقیقت نیستیم بلکه حقیقت مالک ما است و دست کم می توانیم تنها به حقیقت نزدیک شویم، اما مالک حقیقت نمی توانیم باشیم.

ابراهیمی دینانی با اشاره به کنفرانس اخیری که در ژاپن برگزار شد، تاکید کرد: در این کنفرانس به دو مسئله پرداخته شد یکی اینکه جهان امروز گرفتار این مسئله است که ارتباطات بسیار باعث افزایش اختلافات شده است یعنی همانطور که اطلاعات به یک نیویورک نشین می رسد، به غارنشین نیز می رسد و این باعث شدت اختلافات می گردد.

این چهره ماندگار فلسفه افزود: نکته بعدی به خطر افتادن حوزه زندگی خصوصی انسان است؛ به این صورت که هر لحظه اطلاعات جهان من را در خانه ام کشف می کند و انسان در این شرایط است که به فکر هویت خود افتاد. حالا بحران هویت آشکار شده و انسان نمی داند هویت واقعی اش چیست. شعرا و نویسندگان ما در شرق و غرب معتقدند که «من» ها باید «ما» شوند اما آیا من ها باید ما شوند یا بالعکس و اساسا این من چیست؟

دینانی ادامه داد: تردیدی نیست که ما در عصر مدرن زندگی می کنیم که فردگرایی رایج است اگر هر فردی متشخص به ذات است دیگر فرد از مخفیگاه درون خود خارج نمی شود یعنی هر فردی شبیه ندارد و یونیک است. خاصیت فردگرایی این است. ابن سینا معتقد است فرد، درست است که فرد است اما تبلور یک کل است و اگر فرد تبلور یک کل نباشد، تا ابد نمی تواند با فرد دیگری یکی شود.

وی تصریح کرد: یک نظریه این است که «من» را باید در تاریخ پیدا کرد به این معنی که من آنچه اکنون هستم، هنوز نیستم، بلکه می شوم. یک نظریه مقابل آن این است که من نیستم، آنچه اکنون هستم. تفاوت این دو نظریه این است که در نظریه اول من را در طول تاریخ می خواهد بیابد و در تطور افقی این اتفاق می افتد اما آن کس که وجه دوم را دارد معتقد به تاریخ نیست و می خواهد خود عمودی خویش را بیابد. و در اینجا است که اگر نظریه دوم را بپذیریم ضمن اینکه به آینده توجه داریم باید به همان اندازه به گذشته برگردیم و با پیوند گذشته و آینده «آن اصل» به صورت عمودی برای ما باز خواهد شد.

دکتر دینانی با تأکید بر نقاط مشترک ادیان آسمانی، خاطر نشان کرد: تمام ادیان به عهد ازل اشاره دارند اگر در زمان و قشر و قالب ها بمانیم تفاهم ناممکن خواهد بود، اما اگر ضمن حفظ قالب ها از آنها فراتر برویم و به اصل ادیان بپردازیم به آسانی گفتگو اتفاق می افتد. عرفا و حکمای متأله این راه را به درستی طی کرده اند و با هم کنار آمده اند. مثالی برای شما می زنم، پاپ قبلی فیلسوف بود و سخنان او در مورد گفتگوی ادیان و دین اسلام بسیار قابل توجه بود اما پاپ فعلی متکلم و بسیار سخت می اندیشد، پاپ قبلی به دلیل سعه فکری به این نقطه رسید که از گفتگوی ادیان استقبال کند اما پاپ فعلی چنین تفکری ندارد و سخنانش باعث کینه توزی می شود. در واقع با محدودیت های فکری جنگ شروع می شود اما با سعه فکری صلح و همدلی آغاز می گردد.